



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

# الفلق

آشنایی . اعراب آیات . آوانگاری قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	۱۱۳. سوره الفلق
۷	مشخصات کتاب
۷	سوره الفلق
۷	آشنایی با سوره
۷	اعراب آیات
۹	آوانگاری قرآن
۹	ترجمه سوره
۹	ترجمه فارسی استاد فولادوند
۹	ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی
۱۰	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان
۱۰	ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای
۱۱	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی
۱۱	ترجمه فارسی استاد مجتبیوی
۱۱	ترجمه فارسی استاد آیتی
۱۲	ترجمه فارسی استاد خرمشاهی
۱۲	ترجمه فارسی استاد معزی
۱۲	ترجمه انگلیسی قرائتی
۱۳	ترجمه انگلیسی شاکر
۱۳	ترجمه انگلیسی ایروینگ
۱۳	ترجمه انگلیسی آربری
۱۴	ترجمه انگلیسی پیکتال
۱۴	ترجمه انگلیسی یوسفعلی
۱۴	ترجمه فرانسوی

۱۵	ترجمه اسپانیایی
۱۵	ترجمه آلمانی
۱۵	ترجمه ایتالیایی
۱۶	ترجمه روسی
۱۶	ترجمه ترکی استانبولی
۱۶	ترجمه آذربایجانی
۱۷	ترجمه اردو
۱۷	ترجمه پشتو
۱۷	ترجمه کردی
۱۸	ترجمه اندونزی
۱۸	ترجمه مالزیایی
۱۹	ترجمه سواحیلی
۱۹	تفسیر سوره
۱۹	تفسیر المیزان
۲۹	تفسیر نمونه
۴۰	تفسیر مجمع البیان
۴۹	تفسیر اطیب البیان
۵۱	تفسیر نور
۵۹	تفسیر انگلیسی
۶۱	درباره مرکز

## مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور: قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر / مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: معارف قرآنی

## سوره الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

## آشنایی با سوره

۱۱۳- فلق [صبح]

در این سوره فرمان به پیامبر است که به خدائی که آفریدگار فلق و سپیده دم است از شر همه پدیده ها و شر ظلمت فراگیر و جادوگران و حسودان، پناه ببرد. بعد از سوره فیل و قبل از ناس در مکه نازل شده و ۵ آیه دارد.

## اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف  
{الرَّحْمَنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (انت) در تقدیر {أَعُوذُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنا) در تقدیر {بِرَبِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْفَلَقِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{مِنْ} حرف جر {شَرٌّ} اسم مجرور یا در محل جر {مَا} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَمِنْ} {و} حرف عطف / حرف جر {شَرٌّ} اسم مجرور یا در محل جر {غَاسِقٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {إِذَا} ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب {وَوَقَبَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَمِنْ} {و} حرف عطف / حرف جر {شَرٌّ} اسم مجرور یا در محل جر {النَّفَّاثَاتِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {فِي} حرف جر {الْعُقَدِ} اسم مجرور یا در محل جر

{وَمِنْ} {و} حرف عطف / حرف جر {شَرٌّ} اسم مجرور یا در محل جر {حَاسِدٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل



جر {إِذَا} ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب {حَسَدًا} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

## آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Qul aAAoothu birabbi alfalaqi.۱

Min sharri ma khalaqa.۲

Wamin sharri ghasiqin itha waqaba.۳

Wamin sharri alnaffathati fee alAAuqadi.۴

Wamin sharri hasidin itha hasada.۵

## ترجمه سوره

### ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده دم، (۱)

از شرّ آنچه آفریده، (۲)

و از شرّ تاریکی چون فراگیرد، (۳)

و از شرّ دمنندگان افسون در گره ها، (۴)

و از شرّ [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد.» (۵)

### ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح،

«۲» از شرّ تمام آنچه آفریده است؛

«۳» و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود؛

«۴» و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمنند [و هر تصمیمی را سست می کنند]؛

«۵» و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد!

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، (۱)

از زیان مخلوقاتی که [با انحرافشان از قوانین الهی به انسان] ضرر می رسانند، (۲)

و از زیان شب هنگامی که با تاریکی اش درآید [که در آن تاریکی انواع حیوانات موذی و انسان های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین اند] (۳)

و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره ها [می دمنند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند] (۴)

و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد. (۵)

### ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو من پناه میجویم به خدای فروزنده صبح روشن (۱)

از شر مخلوقات شریر و مردم بد اندیش (۲)

و از شر شب تاریک هنگامی که از پی آزار درآید و حشرات موذی و جنایتکاران و فتنه انگیزان را به کمک ظلمت به ظلم و به جور و ستم برانگیزد (۳)

و از شر آنان افسونگر چون به جادو در گره ها بدمنند در عصر رسول (ص) زنانی یهودیه بودند که سحر و جادوگری بر علیه مسلمین میکردند (۴)

و از شر حسود بدخواه چون بر وجود رسول (ص) و کمالات حضرتش شراره آتش رشک و حسد برافروزند رسول اکرم (ص) از اینها به خدا پناه برد تا امت هم به آن حضرت اقتدا کند (۵)

## ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم. (۱)

از شرّ آفریده هایش. (۲)

و از شرّ تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد. (۳)

و از شرّ افسون گرانی که در گره ها می دمند. (۴)

و از شرّ هر حسود آنگاه که حسد ورزد. (۵)

## ترجمه فارسی استاد مجتبیوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بگو: پناه می برم به خداوند سپیده دم، (۱)

از شر آنچه آفریده است، (۲)

و از شر شب تاریک آنگاه که درآید، (۳)

و از شر زنان دمنده در گره ها - زنان جادوگر -، (۴)

و از شر هر بدخواه - حسود - آنگاه که بدخواهی کند. (۵)

## ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بگو: به پروردگار صبحگاه پناه می برم، (۱)

از شر آنچه بیافریده است، (۲)

و از شر شب چون درآید، (۳)

و از شر جادوگرانی که در گرهها افسون می دمند، (۴)

و از شر حسود چون رشک می ورزد. (۵)

### ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو به پروردگار فلق پناه می برم (۱)

از شر هر آنچه آفریده است (۲)

و از شر شب چون در آید (۳)

و از شر زنان افسونگر دمنده در گره ها (۴)

و از شر رشکبری که رشک برد (۵)

### ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بگو پناه برم به پروردگار بامداد (شکاف صبح) (۱)

از بدی آنچه آفرید (۲)

و از بدی تاریکی گاهی که فراگیرد (یا فرورود) (۳)

و از بدی زنان دمنده در گره ها (۴)

و از بدی حسود گاهی که حسد ورزد (۵)

### ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

Say, 'I seek the protec-tion of the Lord of the daybreak ۱

,from the evil of what He has created ۲

,and from the evil of the dark night when it settles ۳

,and from the evil of the witches who blow on knots ۴

'and from the evil of the envious one when he envies ۵

### ترجمہ انگلیسی شاکر

(Say: I seek refuge in the Lord of the dawn, (۱)

(From the evil of what He has created, (۲)

(And from the evil of the utterly dark night when it comes, (۳)

(And from the evil of those who blow on knots, (۴)

(And from the evil of the envious when he envies (۵)

### ترجمہ انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

SAY: "I take refuge with the Lord of Dawn (۱)

,from the mischief of whatever He has created (۲)

,and from the evil of dusk as it settles down (۳)

and from the mischief of women spitting on knots (۴)

".and from the evil of some envier when he envies (۵)

### ترجمہ انگلیسی آبری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(Say: ` I take refuge with the Lord of the Daybreak (۱)

(from the evil of what He has created, (۲)

(from the evil of darkness when it gathers, (۳)

(from the evil of the women who blow on knots, (۴

(from the evil of an envier when he envies.' (۵

### ترجمہ انگلیسی بیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Say: I seek refuge in the Lord of Daybreak (۱

(From the evil of that which He created; (۲

(From the evil of the darkness when it is intense, (۳

(And from the evil of malignant witchcraft, (۴

(And from the evil of the envier when he envieth. (۵

### ترجمہ انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Mercifu

(Say: I seek refuge with the Lord of the Dawn. (۱

(From the mischief of created things; (۲

(From the mischief of Darkness as it overspreads; (۳

(From the mischief of those who practice Secret Arts; (۴

(And from the mischief of the envious one as he practices envy. (۵

### ترجمہ فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

,Dis: (Je cherche protection auprès du Seigneur de l'aube naissante .۱

,contre le mal des êtres qu'Il a créés .۲

۳. contre le mal de l'obscurité quand elle s'approfondit .

۴. contre le mal de celles qui soufflent (les sorcières) sur les noeuds .

۵. et contre le mal de l'envieux quand il envie .

### ترجمه اسپانیایی

۱. Di: «Me refugio en el Señor del alba .

۲. del mal que hacen sus criaturas .

۳. del mal de la oscuridad cuando se extiende .

۴. del mal de las que soplan en los nudos .

۵. del mal envidioso cuando envidia .

### ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gn .digen, des Barmherzigen

۱. Sprich: «Ich nehme meine Zuflucht beim Herrn der Morgend .

۲. Vor dem bel dessen, was Er erschaffen .

۳. Und vor dem bel der Nacht, wenn sie sich verbreitet .

۴. (Und vor dem bel derer, die auf die Knoten blasen (um sie zu lsen .

۵. «Und vor dem bel des Neiders, wenn er neidet .

### ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. ,Di': " Mi rifugio nel Signore dell'alba nascente .

۲. ,contro il male che ha creato .

۳. e contro il male dell'oscurità che si estende

۴. , e contro il male delle soffianti sui nodi

۵. ." e contro il male dell'invidioso quando invidia

### ترجمه روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

۱. Скажи: "Прибегаю я к Господу рассвета

۲. ,от зла того, что он сотворил

۳. ,от зла мрака, когда он покрыл

۴. ,от зла дующих на узлы

۵. !"от зла завистника, когда он завидовал

### ترجمه ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

۱- De ki: Şîrm karanlî yarp tan sabahn Rabbine

۲- Yaratt` mahlûklarn errinden

۳- .küp etraf kaplad` zaman karanlî errinden

۴- .Ve düümlere üfleyen kadnlarn errinden

۵- .Ve hasetçinin haset ettiî zaman, errinden

### ترجمه آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

۱. (Ya Peyğəmbər!) De: "Pənah aparıram sübhün Rəbbinə)



۲. Yaradıqlarının (insanların, cinlərin, vəhşi heyvanların) şərinə

۳. Zülmətə bürünməkdə olan gecənin (və ya: batan ayın, ziyası sönən ulduzların) şərinə

۴. Ovsun oxuyub) düyünlərə üfürən (yaxud: cadu edib iplərə düyün vuran) qadınların) şərinə

۵. "Və bir də paxıllığı tutanda paxılın şərinə"

### ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بے ایمان نسلِ نیت رحم والا ہے

۱. کھو کھو میں صبح کے پروردگار کی پناہ مانگتا ہوں

۲. ہر چیز کی بدی سے جو اس نے پیدا کی

۳. اور شب تاریکی کی برائی سے جب اس کا اندھیرا چھا جائے

۴. اور گندھوں پر (پتوں پر کر) پھونکنے والیوں کی برائی سے

۵. اور حسد کرنے والوں کی برائی سے جب حسد کرنے لگے

### ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چې زيات مهربانه او پوره رحم لرونکې د. ووايه (ا محمده!) پناه غواړم په رب د سهار (د تيار لرونکې باند) (و م د تيار لرونکې رب ته)

۲. له شره د هغه شی چې پیدا کړی دی (له ضرر رسونکې شيانو څخه)

۳. او له شره د تيار شپه کله چې تکه توره شی

۴. او له شره د هغه پوکي کوونکيو لرونکو غوړو ته پوکي ورکوي

۵. او له شره د حسد کوونکي کله چې ځکاره کړی خپل حسد

### ترجمه کردی

Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn (Muhemmed! tu aha) bêje, "Ez xwe davêjime . ١  
".(berbextê wî Xuda yê, ku şevê) diçirîne (sibehê) derdixe

Ji sîkatîne hemî tiştê aferandîye . ٢

.Û ji sikatîya şevê gava tarî dibe . ٣

.Û ji sikatîya ançkeran, ku pufe girya dikin; girê didin . ٤

.Û ji sikatîya Dexesan, gava dexesî dikin . ٥

### ترجمه اندونزی

(Katakanlah:" Aku berlindung kepada Tuhan Yang Menguasai subuh.(١)

(Dari kejahatan makhluk-Nya,(٢) (١)

(Dan dari kejahatan malam apabila telah gelap gulita,(٣) (٢)

Dan dari kejahatan wanita- wanita tukang sihir yang menghembus pada buhul-  
(buhul,(٤) (٣)

(Dan dari kejahatan orang yang dengki apabila ia dengki".(٥) (٤)

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah (٥)

### ترجمه ماليزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Katakanlah (wahai Muhammad); "Aku berlindung kepada (Allah) Tuhan yang  
(menciptakan sekalian makhluk, (١)

(Dari bencana makhluk-makhluk yang Ia ciptakan; (٢"

(Dan dari bahaya gelap apabila ia masuk; (٣"

Dan dari kejahatan makhluk-makhluk yang menghembus-hembus pada simpulan-"  
(simpulan (dan ikatan-ikatan); (٤)

"(Dan dari kejahatan orang yang dengki apabila ia melakukan dengkiya)". (۵)

## ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

۱. Sema: Ninajikinga kwa Mola wa asubuhi.

۲. Na shari ya alichokiumba.

۳. Na shari ya usiku wa giza unapoingia.

۴. Na shari ya wenye kupuliza katika mafundo.

۵. Na shari ya hasidi anapohusudu.

## تفسیر سوره

## تفسیر المیزان

صفحه ی ۶۷۹

(۱۱۳) سوره فلق مکی است و پنج آیه دارد (۵)

[سوره الفلق (۱۱۳): آیات ۱ تا ۵] ترجمه آیات به نام الله که بخشنده به همه و مهربان به خواص از بندگان است.

بگو پناه می برم به پروردگار صبحدم (۱).

از شر هر چه که او خلق کرده و دارای شر است (۲).

و از شر شب وقتی که با ظلمتش فرا می رسد (۳).

و از شر زنان جادوگر که به گره ها می دمند و افسون می کنند (۴).

و از شر حسودی که بخواهد زهر حسد خود را بریزد (و علیه من دست بکار توطئه شود) (۵).

بیان آیات در این سوره به رسول گرامی خود دستور می دهد که از هر شر و از خصوص بعضی شرور به او پناه ببرد، و این سوره به طوری که از روایات وارده در شان نزولش بر می آید در مدینه نازل شده است «۱».

(۱) و اگر در آغاز گفته شد در مکه نازل شده به تبعیت قرآنهای موجود بود. " مترجم "

صفحه ی ۶۸۰

---

[معنای " فلق " در " قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ " و مفاد " مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ "]

" قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ " مصدر " عوذ " که کلمه " اعوذ " متکلم وحده از مضارع آن است، به معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن از شر از راه پناه بردن به کسی است که می تواند آن شر را دفع کند، و کلمه " فلق " - به فتحه اول و سکون دوم -

به معنای شکافتن و جدا کردن است، و این کلمه در صورتی که با دو فتحه باشد صفت مشبّهه ای به معنای مفعول خواهد بود، نظیر "قصص" به دو فتحه (چون قصص به کسره اول و فتحه دوم جمع قصه است)، که به معنای مقصود یعنی حکایت شده، و یا نقل شده است، و غالباً این کلمه بر هنگام صبح اطلاق می شود، و فلق یعنی آن لحظه ای که نور گریبان ظلمت را می شکافد و سر بر می آورد.

و بنا بر این، معنای آیه چنین می شود: بگو من پناه می برم به پروردگار صبح، پروردگاری که آن را فلق می کند و می شکافد، و مناسب این تعبیر با مساله پناه بردن از شر، که خود ساتر خیر و مانع آن است، بر کسی پوشیده نیست.

ولی بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: مراد از کلمه "فلق" هر چیزی است که از کتم عدم به وسیله خلقت سر بر آورد، برای اینکه خلقت و ایجاد در حقیقت شکافتن عدم، و بیرون آوردن موجود به عالم وجود است، در نتیجه رب فلق مساوی با رب مخلوق است.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: کلمه "فلق" نام چاهی است در جهنم.

مؤید این قول بعضی «۳» از روایاتی است که در تفسیر این سوره وارد شده.

" مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ " یعنی از شر هر مخلوقی، چه انسان و چه جن و چه حیوانات و چه هر مخلوق دیگری که شری همراه خود دارد، پس، از عبارت " ما خلق " نباید توهم کرد که تمامی مخلوقات شرند و یا شری با خود دارند، زیرا مطلق آمدن این عبارت دلیل بر استغراق و کلیت نیست.

" وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ " در

صحاح می گوید: کلمه "غسق" به معنای اولین مرحله از ظلمت شب است، وقتی گفته می شود "قد غسق الليل" معنایش این است که تاریکی شب فرا رسیده، و غاسق شب، آن ساعتی است که شفق سمت مغرب ناپدید شود «۴».

و کلمه "وقوب" که مصدر فعل ماضی "وقب" است، به معنای داخل شدن است.

---

(۱) تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۹۲.

(۲ و ۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۸۰.

(۴) صحاح اللغه، م\_\_\_\_\_اده "غس\_\_\_\_\_ق".

صفحه ی ۶۸۱

---

در نتیجه معنای آیه این می شود: و از شر شب وقتی که با ظلمتش داخل می شود. و اگر در آیه شریفه شر را به شب نسبت داده، به خاطر این بوده که شب با تاریکیش شریر را در رساندن شر کمک می کند، و به همین جهت می بینیم شروری که در شب واقع می شود بیشتر از شرور واقع در روز است. علاوه بر این، انسان که مورد حمله شرور است، در شب ناتوان تر از روز است.

ولی بعضی «۱» گفته اند: مراد از کلمه "غاسق" خصوص شب نیست، بلکه هر شری است که به آدمی هجوم بیاورد، هر چه می خواهد باشد.

[ذکر خصوص شر شبانگاه، شر ساحران و شر حاسد بعد از ذکر "من شر ما خلق" از باب اهتمام به این سه شرط است

در آیه اول مطلق شر را ذکر کرد، و در آیه دوم خصوص "شر غاسق" را یاد آور شد، و این خود از باب ذکر خاص بعد از عام است، تا اهتمام بیشتر نسبت به خاص را برساند، و در این سوره بعد از ذکر شر عام، به خصوص سه شر اهتمام شده است: یکی شر شب وقتی داخل می شود. و

دوم شر ساحران. و سوم شر حاسد، که مشغول توطئه می گردد. و اهتمام بیشتر نسبت به این سه نوع شر بخاطر این است که انسان از این سه شر غافل است، یعنی این سه نوع شر در حال غفلت آدمی حمله می آورند.

" وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ " یعنی و از شر زنان جادوگر ساحر، که در عقده ها و گره ها علیه مسحور می دمنند، و به این وسیله مسحور را جادو می کنند. و اگر از میان جادوگران، خصوص زنان را نام برد، برای این بود که سحر و جادوگری در بین زنان بیشتر است تا مردان، و از این آیه استفاده می شود که قرآن کریم تاثیر سحر را فی الجمله تصدیق دارد، و نظیر این آیه در تصدیق سحر آیه زیر است که در داستان هاروت و ماروت می فرماید: " فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ " «۲»، و نیز نظیر آن، آیه ای است که سخن از ساحران فرعون دارد.

ولی بعضی «۳» از مفسرین گفته اند: آیه مورد بحث نظری به سحر ندارد، بلکه مرادش از دمنندگان در گره ها، آن زنانی است که با تسویلات خود تصمیم های شوهران را از ایشان می گیرند و رأی شوهران را متمایل به آن جانبی می کنند که خودشان صلاح می دانند و دوست \_\_\_\_\_

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

(۲) از هاروت و ماروت آن سحری را می آموختند که به وسیله آن بین شوهر و همسرش جدایی بیندازند، ولی آنها نمی توانند به احدی آسیب برسانند مگر به اذن خدا. سوره بقره، آیه ۱۰۲.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹. \_\_\_\_\_  
صفحه ی ۶۸۲

دارند،

پس مراد از کلمه "عقد" - که جمع عقده است - رأی، و مراد از "نفث در عقد" به طور کنایه سست کردن تصمیم شوهر است. ولی این معنایی به دور از ذهن است.

"وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ" یعنی از شر حسود وقتی که مبتلا به حسد گشته و مشغول اعمال حسد درونی خود شود و علیه محسود دست بکار گردد.

بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: این آیه شامل چشم زدن اشخاص شور چشم نیز می شود، چون چشم زدن هم ناشی از نوعی حسد درونی می گردد، شخص حسود وقتی چیزی را ببیند که در نظرش بسیار شگفت آور و بسیار زیبا باشد حسدش تحریک شده، با همان نگاه، زهر خود را می ریزد.

بحث روایتی [چند روایت حاکی از نزول "معوذتین" بعد از بیمار شدن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بر اثر سحر یک یهودی

در الدر المنثور است که عبد بن حمید، از زید بن اسلم روایت کرده که گفت: مردی یهودی رسول خدا (ص) را جادو کرد، و در نتیجه آن حضرت بیمار شد، جبرئیل بر او نازل گشته دو سوره معوذتین را آورد و گفت: مردی یهودی تو را سحر کرده و سحر مذکور در فلاخن چاه است، رسول خدا (ص) علی (ع) را فرستاد آن سحر را آوردند، دستور داد گره های آن را باز نموده، برای هر گره یک آیه بخواند، علی (ع) هر گره را باز می کرد یک آیه را می خواند، به محضی که گره ها باز و این دو سوره تمام شد، رسول خدا (ص) برخاست، گویا پای بندی از پایش باز شده باشد «۲».

مؤلف: و از کتاب "طب الأئمه" نقل شده که به



سند خود از محمد بن سنان از مفضل از امام صادق (ع) نظیر این معنا را روایت کرده «۳». و در این معنا روایات بسیاری از طرق اهل سنت با مختصر اختلافی وارد شده، و در بسیاری از آنها آمده که زبیر و عمار را هم با علی (ع) فرستاد «۴»، و در آن کتاب روایاتی دیگر نیز از طرق ائمه اهل

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۷.

(۳) نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۱۸ به نقل از طب الأئمه.

(۴) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۸۳.

صفحه ی ۶۸۳

بیت (ع) نقل شده «۱».

و به این دسته روایات اشکالی کرده اند، و آن این است که این روایات با مصونیت رسول خدا (ص) از تاثیر سحر نمی سازد، و چگونه سحر ساحران در آن جناب مؤثر می شده با اینکه قرآن کریم مسحور شدن آن جناب را انکار نموده، فرموده: "وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا" «۲».

لیکن این اشکال وارد نیست، برای اینکه منظور مشرکین از اینکه آن جناب را مسحور بخوانند، این بوده که آن جناب بی عقل و دیوانه است، آیه شریفه هم این معنا را رد می کند، و اما تاثیر سحر در اینکه مرضی در بدن آن جناب پدید آید، و یا اثر دیگری نظیر آن را داشته باشد، هیچ دلیلی بر مصونیت آن جناب از چنین تاثیری در دست نیست.

و در مجمع البیان است که: از رسول خدا (ص) روایت شده که بسیار می شد رسول خدا (ص) حسن و حسین را با این دو سوره تعویذ می کرد «۳».

نیز در همان کتاب از عقبه بن عامر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: آیاتی بر من نازل شده که نظیرش نازل نشده، و آن دو سوره "قُلْ أَعُوذُ" است، این حدیث را در صحیح آورده «۴».

مؤلف: در الدر المنثور این حدیث را به ترمذی و نسایی و غیر آن دو نیز نسبت داده، و نیز روایتی در این معنا از کتاب "أوسط" طبرانی از ابن مسعود نقل کرده «۵».

و بعید نیست که مراد آن جناب از نازل نشدن مثل این دو سوره این باشد که تنها این دو سوره در مورد عوذ و حرز نازل شده، و هیچ سوره ای دیگر این خاصیت را ندارد.

[نظر ابن مسعود دائر بر اینکه "معوذتین" جزء قرآن نیست، رد این نظر و بیان اینکه تواتر قطعی بر اینکه این دو سوره جزء قرآنند وجود دارد]

و در الدر المنثور است که احمد، بزار، طبرانی، و ابن مردویه از طرق صحیح از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده اند که ابن مسعود دو سوره "قُلْ أَعُوذُ" را از قرآن ها پاک

(۱) نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۱۸ به نقل از طب الأئمه.

(۲) ستمگران گفتند شما پیروی نمی کنید مگر مردی سحر شده را، بین چگونه مثلها برایت می زنند، و در نتیجه گمراه گشته راه به جایی نمی برند. سوره فرقان، آیه ۸ و ۹.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۷.

(۵) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۶.

صفحه ی ۶۸۴

می کرد و می تراشید، و می گفت: قرآن را به چیزی که جز و قرآن نیست مخلوط مکنید، این دو سوره جز و قرآن نیست، بلکه تنها به این

منظور نازل شد که رسول خدا (ص) خود را به آن دو حرز کند. و ابن مسعود هیچ وقت این دو سوره را به عنوان قرآن نمی خواند.

مؤلف: سیوطی بعد از نقل این حدیث می گوید: بزار گفته احدی از صحابه ابن مسعود را در این سخن پیروی نکردند، و چگونه می توانستند پیروی کنند، با اینکه به طرق صحیح از رسول خدا (ص) نقل شده که در نماز این دو سوره را می خواند، و علاوه بر این در قرآن کریم ثبت شده است «۱».

و در تفسیر قمی به سند خود از ابو بکر حضرمی روایت کرده که گفت: خدمت ابی جعفر (ع) عرضه داشتم: ابن مسعود چرا دو سوره "قُلْ أَعُوذُ" را از قرآن پاک می کرده؟ فرمود: پدرم در این باره می فرمود: این کار را به رأی خود می کرده و گر نه آن دو از قرآن است «۲».

مؤلف: و در این معنا روایات بسیاری از طرق شیعه و سنی رسیده، علاوه بر این، جزو بودن این دو سوره برای قرآن، مورد تواتر قطعی تمامی کسانی است که متدین به دین اسلامند، و لذا می بینیم در پاسخ بعضی از منکرین اعجاز قرآن که گفته اند: اگر قرآن معجزه بود نباید در جزئیت این دو سوره برای قرآن اختلاف شود، گفته اند تواتر قطعی هست بر اینکه این دو سوره جزو قرآن است، و این تواتر کافی است در اینکه به اختلاف مذکور اعتنایی نشود، علاوه بر این آنها هم که گفته اند: این دو سوره جزو قرآن نیست، نگفته اند که ساخته خود رسول خدا (ص) است، و از ناحیه خدای تعالی نازل نشده، و نیز نگفته اند که مشتمل بر اعجاز در

بلاغت نیست، بلکه تنها گفته اند جزو قرآن نیست، که آن هم گفتیم قابل اعتناء نیست، چون تواتر علیه آن قائم است.

[چند روایت در باره مراد از "فلق" و در باره آثار حسد]

و در الدر المنثور است که ابن جریر، از ابو هریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: "فلق" نام چاهی رو پوشیده است در جهنم «۳».

مؤلف: در معنای این روایت روایات بسیاری دیگر هست که در بعضی از آنها آمده:

فلق نام دری است در جهنم که وقتی باز شود جهنم فروخته گردد، این روایت را عقبه بن عامر نقل کرده «۴». و در بعضی از آنها آمده چاهی است در دوزخ که وقتی بخواهند دوزخ را شعله ور

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۶.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۰.

(۳) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۸.

---

(۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۸۵.

سازند از آنجا شعله ور می کنند، ناقل این روایت عمرو بن عبسسه است «۱». و از این قبیل روایاتی دیگر.

و در مجمع البیان می گوید بعضی ها گفته اند: فلِق چاهی در جهنم است که اهل جهنم از شدت حرارت آن به دنبال پناهگاهی می گردند، ناقل این حدیث سدی است «۲». و ابو حمزه ثمالی «۳» و علی بن ابراهیم «۴» هم آن را در تفسیر خود آورده اند.

و در تفسیر قمی از پدرش از نوفلی از سکونی از امام صادق (ع) روایت آورده که فرموده: رسول خدا (ص) فرمود: فقر با کفر فاصله چندانی ندارد، و حسد آن قدر مؤثر است که گویی می خواهد از قضا و قدر الهی هم جلو بزند «۵».

مؤلف: این روایت به همین عبارت از انس از رسول خدا (ص) نقل شده «۶».

و در

کتاب عیون به سند خود از ملطی از حضرت رضا از پدر بزرگوارش، و آن جناب از آبای گرامش از رسول خدا (ص) روایت کرده اند که فرمود: نزدیک است که حسد از قضا و قدر الهی سبقت بگیرد «۷». (این تعبیر کنایه است از شدت تاثیر حسد، نه اینکه می تواند سبقت بگیرد، چون تاثیر حسد هم خود از قضا و قدر الهی است).

و در الدر المنثور است که: ابن ابی شیبہ از انس روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: حسد حسنت آدمی را می خورد، آن چنان که آتش هیزم را «۸». (لطفی که در این تشبیه بکار رفته از نظر خواننده مخفی نماند).

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۸.

(۲ و ۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۸.

(۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۹.

(۵) این حدیث در تفسیر قمی وجود ندارد و در اصول کافی (ج ۲، ص ۲۳۳، باب الحسد) آن را از علی بن ابراهیم نقل می کند و گویا در اینجا اشتباهی در ذکر نام علی بن ابراهیم و تفسیرش رخ داده.

(۶) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۲۰.

(۷) عیون اخبار الرضا، جزء ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۶، ط نجف.

(۸) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۲۰.

## تفسیر نمونه

سوره فلق

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره فلق

جمعی معتقدند که این سوره در مکه نازل شده است هر چند جمعی دیگر از مفسران آن را ((مدنی)) می دانند.

محتوای این سوره تعلیماتی است که خداوند به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خصوصاً و به سایر مسلمانان عموماً، در زمینه پناه بردن به ذات پاک

او از شر همه اشرار می دهد، تا خود را به او بسپارند، و در پناه او از شر هر موجود صاحب شر در امان بدارند.

در باره شائن نزول این سوره روایاتی در غالب کتب تفسیر نقل شده که مطابق آنها پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به وسیله بعضی از یهود مورد سحر قرار گرفته، و بیمار شده بود، جبرئیل نازل شد و محل ابزار سحر را که در چاهی پنهان کرده بودند نشان داد، آن را بیرون آوردند، سپس این سوره را خواندند، و حال پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بهبود یافت.

ولی مرحوم طبرسی و بعضی دیگر از محققان اینگونه روایات را که سند آن فقط به دو نفر ابن عباس و عایشه منتهی می شود زیرا سؤال قرار دادند، زیرا: اولاً- سوره طبق مشهور مکی است و لحن آن نیز لحن سوره های مکی را دارد، در حالی که درگیری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با یهود در مدینه بوده است و این خود دلیلی است بر عدم اصالت اینگونه روایات.

از سوی دیگر اگر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به این آسانی مورد سحر ساحران قرار گیرد تا آنجا که بیمار شود و در بستر بیفتد، به آسانی ممکن است او را از مقاصد بزرگش بازدارند، مسلماً خداوندی که او را برای چنان ماموریت و رسالت

عظیمی فرستاده از نفوذ سحر ساحران حفظ خواهد کرد، تا مقام والای نبوت باز یچه دست آنها نشود.

از سوی سوم اگر بنا شود سحر در جسم

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اثر بگذارد ممکن است این توهم در مردم پیدا شود که سحر در روح او نیز مؤثر است، و ممکن است افکارش دستخوش سحر ساحران گردد، و این معنی اصل اعتماد به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در افکار عمومی متزلزل می سازد.

و لذا قرآن مجید این معنی را نفی می کند که پیغمبر مسحور شده باشد می فرماید: و قال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا انظر کیف ضربوا لك الامثال فضلوها فلا يستطيعون سیلا: ظالمان گفتند شما از یک انسان سحره شدهای پیروی می کنید، ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند؟ آنچنانکه نمی توانند راه را پیدا کنند! (فرقان ۸ و ۹).

((مسحور)) در اینجا خواه به معنی کسی باشد که از نظر عقلی سحر شده یا در جسمش، در هر صورت گواه بر مقصود ما است.

به هر حال با چنین روایات مشکوکی نمی توان قداست مقام نبوت را زیر سؤال برد، و در فهم آیات بر آنها تکیه کرد.

درباره فضیلت این سوره از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود: انزلت علی آیات لم ینزل مثلهن: المعوذتان: ((آیاتی بر من نازل شده که همانند آنها نازل نشده است، و آن دو سوره ((فلق)) و ((ناس)) است)).

<۱>

و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: کسی که در نماز ((وتر)) سوره ((فلق)) و ((ناس)) و ((قل هو الله احد))

را بخواند به او گفته می شود ای بنده خدا بشارت باد بر تو خدا نماز و تر تو را قبول کرد. <۲>

و باز در روایتی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم که به یکی از یارانش فرمود می خواهی دو سوره به تو تعلیم کنم که برترین سوره های قرآن است؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا! حضرت معوذتان (سوره فلق و سوره ناس) را به او تعلیم کرد، سپس آن دو را در نماز صبح قرائت نمود و به او فرمود: هر گاه برمی خیزی و می خوابی آنها را بخوان. <۳>

روشن است اینها برای کسانی است که روح و جان و عقیده و عمل خود را با محتوای آن هماهنگ سازند.

تفسیر :

پناه می برم به پروردگار سپیده دم!

در نخستین آیه به شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان یک الگو و پیشوا

دستور می دهد: بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح که دل سیاهی شب را می شکافد (قل اعوذ برب الفلق).

از شر تمام آنچه آفریده است (من شر ما خلق).

از شر همه موجودات شرور، انسانهای شرور، جن و حیوانات و حوادث و پیشامدهای شر و از شر نفس اماره .

((فلق)) (بر وزن شفق) از ماده فلق (بر وزن خلق) در اصل به معنی شکافتن چیزی و جدا کردن بعضی از بعضی دیگر است ،

و از آنجا که به هنگام دمیدن سپیده صبح پرده سیاه شب می شکافد، این واژه به معنی طلوع صبح ، به کار



رفته ، همانگونه که ((فجر)) نیز به همین مناسبت بر طلوع صبح اطلاق می شود.

بعضی آن را به معنی همه موالید و تمام موجودات زنده اعم از انسان و حیوان و گیاه می دانند، چرا که تولد این موجودات که با شکافتن دانه و تخم و مانند آن صورت می گیرد از عجیب ترین مراحل وجود آنها است ، و در حقیقت هنگام تولد جهش عظیمی در آن موجود رخ می دهد و از جهانی به جهان دیگری گام می نهد.

در آیه ۹۵ انعام می خوانیم : ان الله فلق الحب و النوى يخرج الحى من الميت و مخرج الميت من الحى ((خداوند شکافنده دانه و هسته است ، زنده را از مرده خارج می سازد، و مرده را از زنده)).

بعضی نیز مفهوم فلق را از این هم گسترده تر گرفته اند، و آن را به هر گونه آفرینش و خلقت اطلاق کرده اند، چرا که با آفرینش هر موجود پرده عدم شکافته می شود و نور وجود آشکار می گردد.

هر یک از این معانی سه گانه (طلوع صبح - تولد موجودات زنده - آفرینش هر موجود) پدیده ای است عجیب که دلیل بر عظمت پروردگار و خالق و مدبر

آن است ، و توصیف خداوند به این وصف دارای مفهوم و محتوای عمیقی است .

در بعضی از احادیث نیز آمده که ((فلق)) چاه یا زندانی در دوزخ است ، و همچون شکافی در دل جهنم خودنمایی می کند.

این روایت ممکن است اشاره به مصداقی از مصداقهای آن باشد نه اینکه مفهوم گسترده ((فلق)) را محدود کند.

تعبیر به ((من شر ما خلق))

مفهومش این نیست که آفرینش الهی در ذات خود شری دارد، چرا که آفرینش همان ایجاد است، و ایجاد و وجود خیر محض است، قرآن می گوید: الذی احسن کل شیء خلقه ((همان خدائی که هر چه را آفرید نیکو آفرید)) (الم سجده - ۷).

بلکه شر هنگامی پیدا می شود که مخلوقات از قوانین آفرینش منحرف شوند و از مسیر تعیین شده جدا گردند، فی المثل نیش و دندان برنده حیوانات یک حربه دفاعی برای آنها است که در برابر دشمنانشان به کار می برند همانند سلاحی که ما در مقابل دشمن از آن استفاده می کنیم، اگر این سلاح به مورد به کار رود خیر است، اما اگر نابجا و در برابر دوست مصرف گردد شر است.

وانگهی بسیاری از امور است که ما در ظاهر آنها را شر حساب می کنیم ولی در باطن خیر است مانند حوادث و بلاهای بیدارگر و هشدار دهنده که انسان را از خواب غفلت بیدار ساخته و متوجه خدا می کند اینها مسلماً شر نیست.

سپس در توضیح و تفسیر این مطلب می افزاید: ((و از شر هر موجود مزاحمی هنگامی که وارد می شود)) (و من شر غاسق اذا وقب).

((غاسق)) از ماده ((غسق)) (بر وزن شفق) به گفته ((راغب)) در ((مفردات)) به معنی شدت ظلمت شب است که در همان نیمه شب حاصل می شود، و لذا قرآن مجید به هنگام اشاره به پایان وقت نماز مغرب می فرماید: الی غسق

اللیل، و اینکه در بعضی از کتب لغت غسق به معنی تاریکی آغاز شب تفسیر

شده ، بعید به نظر می رسد، بخصوص اینکه ریشه اصلی این لغت به معنی امتلاء (پر شدن) و سیلان است ، و مسلماً تاریکی شب هنگامی پر و لبریز می شود که به نیمه رسد، یکی از مفاهیمی که لازمه این معنی است هجوم و حمله ور گشتن است ، لذا در این معنی نیز استعمال شده .

بنابراین معنی ((غاسق)) در آیه مورد بحث یا ((فرد مهاجم)) است ، یا هر ((موجود شرور)) که از تاریکی شب برای حمله کردن استفاده می کند، زیرا نه فقط حیوانات درنده و گزنده شب هنگام از لانه ها بیرون می آیند و زیان می رسانند، بلکه افراد شرور و ناپاک و پلید نیز غالباً از تاریکی شب برای مقاصد سوء خود استفاده می کنند.

((وقب)) (بر وزن شفق)) از ماده ((وقب)) (بر وزن نقب) به معنی حفره و گودال است ، سپس فعل آن به معنی ورود در گودال به کار رفته ، گوئی موجودات شرور و زیان آور از تاریکی شب استفاده کرده ، و با ایجاد حفره های زیانبار برای تحقق بخشیدن به مقاصد پلید خود اقدام می کنند، یا اینکه این تعبیر اشاره به ((نفوذ کردن)) است .

بعد می افزاید: ((و از شر آنها که در گره ها می دمند)) (و من شر النفاثات فی العقد).

((نفاثات)) از ماده ((نفث)) (بر وزن حبس) در اصل به معنی ریختن مقدار کمی از آب دهان است ، و از آنجا که این کار با دمیدن انجام می گیرد، ((نفث)) به معنی ((نفخ)) (دمیدن) نیز

آمده است .

ولی بسیاری از مفسران ((نفاثات)) را به معنی ((زنان ساحره)) تفسیر

کرده اند (نفاثات جمع مؤنث است و مفرد آن ((نفاثه)) صیغه مبالغه از نفث می باشد) آنها اورادی را می خواندند و در گره هائی می دمیدند و به این وسیله سحر می کردند، ولی جمعی آن را اشاره به زنان وسوسه گر می دانند که پی در پی در گوش مردان ، مخصوصا همسران خود، مطالبی را فرو می خوانند تا عزم آهنین آنها را در انجام کارهای مثبت سست کنند، و وسوسه های این گونه زنان در طول تاریخ چه حوادث مرگباری که بار نیاورده ، و چه آتشها که بر نیفروخته و چه عزمهای استواری را که سست نساخته است .

فخر رازی می گوید زنان به خاطر نفوذ محبتهایشان در قلوب رجال ، در آنان تصرف می کنند. <۴>

این معنی در عصر و زمان ما از هر وقت ظاهرتر است زیرا یکی از مهمترین وسائل نفوذ جاسوسها در سیاستمداران جهان استفاده از زنان جاسوسه است که با این نفاثات فی العقد قفلهای صندوقهای اسرار را می گشایند و از مرموزترین مسائل با خبر می شوند و آن را در اختیار دشمن قرار می دهند.

بعضی نیز نفاثات را به نفوس شریره ، و یا جماعتهای وسوسه گر که با تبلیغات مستمر خود گره های تصمیمها را سست می سازند تفسیر نموده اند.

بعید نیست که آیه مفهوم عام و جامعی داشته باشد که همه اینها را شامل شود حتی سخنان سخن چینها، و نمایان که کانونهای محبت را سست و ویران می سازند.

البتة باید توجه داشت که

قطع نظر از شاءن نزول سابق نشانه ای در آیه نیست که منظور از آن خصوص سحر ساحران باشد، و به فرض که آیه را چنین تفسیر کنیم دلیل بر صحت آن شاءن نزول نمی باشد، بلکه تنها دلیل بر این است

که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از شر ساحران به خدا پناه می برد، درست مثل اینکه افراد سالم از بیماری سرطان به خدا پناه می برند هر چند هرگز مبتلا به آن نشده باشند.

در آخرین آیه این سوره می فرماید: و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد (و من شر حاسد اذا حسد).

این آیه نشان می دهد که حسد از بدترین و زشت ترین صفات رذیله است، چرا که قرآن آن را در ردیف کارهای حیوانات درنده و مارهای گزنده، و شیاطین و سوسه گر قرار داده است.

#### ۱ - مهمترین منابع شر و فساد

در آغاز این سوره به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که از شر تمام مخلوقات شرور به خدا پناه برد، سپس در توضیح آن اشاره به سه گونه شر می کند شر مهاجمین تاریک دل که از تاریکیها استفاده می کنند و حمله ور می شوند.

شر و سوسه گرانی که با سخنان و تبلیغات سوء خود اراده ها، ایمانها، عقیده ها محبتها و پیوندها را سست می کنند.

و شر حسودان .

از این اجمال و تفصیل چنین استفاده می شود که عمده شرور و آفات از همینجا سرچشمه می گیرد و مهمترین منابع شر و فساد این سه منبع است و

این بسیار پر معنی

و قابل تامل می باشد.

## ۲ - تناسب آیات

قابل توجه اینکه در نخستین آیه این سوره به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که به پروردگار فلق پناه برد، از شر تمام موجودات ذی شر، انتخاب ((رب فلق)) شاید به خاطر این است که موجودات شرور نور و روشنائی سلامت و هدایت را قطع می کنند، ولی پروردگار فلق شکافنده ظلمتها و تاریکیها است .

## ۳ - تاثیر سحر

در جلد اول ذیل آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره بحثهای مفصلی در باره حقیقت سحر در زمانهای گذشته و امروز، و حکم سحر از نظر اسلام .

و چگونگی تاثیر آن بحثهای مشروحی داشتیم ، و در آن مباحث تاثیر سحر را به طور اجمال پذیرفته ایم ، ولی نه به آن صورتی که پندارگرایان و افراد خرافی از آن سخن می گویند، برای توضیح بیشتر به همان بحث مراجعه فرمائید.

اما نکته ای که ذکر آن در اینجا لازم است این است که اگر در آیات مورد بحث به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که از سحر ساحران یا مانند آن به خدا پناه برد، مفهومی این نیست که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مورد سحر آنها قرار گرفته ، بلکه درست به این میماند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از هر گونه اشتباه و خطا و گناه نیز به خدا پناه می برد، یعنی با استفاده از لطف خدا از این خطرات مصون می ماند و اگر لطف خدا نبود امکان تاثیر سحر در حق

او بود، این از یکسو.

از سوی دیگر سابقاً گفتیم دلیلی نداریم که منظور از ((النفاثات فی العقد)) ساحران باشد.

۴ - شر حسودان !

((حسد)) یک خوی زشت شیطانی است که بر اثر عوامل مختلف مانند ضعف ایمان و تنگ نظری و بخل در وجود انسان پیدا می شود، و به معنی درخواست و آرزوی زوال نعمت از دیگری است .

حسد سرچشمه بسیاری از گناهان کبیره است .

حسد همانگونه که در روایات وارد شده است ایمان انسان را می خورد و از بین می برد همانگونه که آتش هیزم را!

همانگونه که امام باقر (علیه السلام) می فرماید: ان الحسد لیاکل الایمان کما تاکل النار الحطب . <۵>

در حدیث دیگری از امام صادق آمده است آفة الدین الحسد و العجب و الفخر: آفت دین حسد است و خود بزرگ بینی و تفاخر. <۶>

این به خاطر آن است که حسود در واقع معترض به حکمت خدا است که چرا به افرادی نعمت بخشیده ؟ و مشمول عنایت خود قرار داده است ؟ همانگونه که در آیه ۵۴ نساء می خوانیم : ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله .

کار حسد ممکن است به جایی رسد که حتی برای زوال نعمت از شخص محسود خود را به آب و آتش زند و نابود کند، چنانکه نمونه اش در داستانها و تواریخ معروف است .

در نكوهش حسد همین بس که نخستین قتلی که در جهان واقع شد از ناحیه قایل نسبت به برادرش ((هابیل)) بر اثر انگیزه ((حسد)) بود.

((حسودان)) همیشه یکی از موانع راه انبیا و اولیا بوده اند، و لذا قرآن

مجید

به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که از شر حاسدان به خدا و رب فلق پناه برد.

گر چه مخاطب در این سوره و سوره بعد شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است ولی مسلماً منظور الگو و نمونه است و همه باید از شر حسودان به خدا پناه برند.

خداوندا! ما نیز از شر حسودان به ذات مقدس تو پناه می بریم .

پروردگارا! از تو می خواهیم که خود ما را نیز از حسد نسبت به دیگران حفظ نمائی .

بارالها! ما را از شر نفاثات فی العقد و وسوسه گران در راه حق نیز محفوظ بدار.

آمین یا رب العالمین

### تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر بوستان پر گل و لاله دیگری از بوستان های قرآن ایستاده ایم.

پیش از ورود به آن، به شناسنامه اش می نگریم:

۱ - نام این سوره در آغاز این سوره روی سخن با پیامبر نور و آزادی است، و خدا به او دستور می دهد تا از شر همه پدیده ها و شرارت و افسونگری همه جادوگران و حسودان و فریبکاران به پروردگار سپیده دم پناه برد.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ....

و نام این سوره از آغازین آیه آن بر گرفته شده، و «فلق» نام دارد.

فرودگاه آن در مورد فرودگاه این سوره دو نظر است:

به باور بیشتر مفسران این سوره در مدینه فرود آمده است، اما گروهی نیز بر آنند که این سوره در مکه و پس از سوره «فیل» فرود آمده است.

۳ - شمار آیه ها و حروف آن این سوره دارای



۵ آیه است، و از ۲۳ واژه، و ۷۳ حرف شکل گرفته است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأ قل اعوذ برب الفلق و... فكأنما قرأ جميع الكتب التي انزلها الله على الانبياء. (۳۶۶)

کسی که سوره «فلق» و سوره «ناس» را بخواند، بسان کسی است که همه کتاب هایی را که خدا بر پیامبران فرو فرستاده، خوانده است.

و نیز آورده اند که فرمود:

انزلت على آيات لم ينزل مثلهن: المعوذتان. (۳۶۷)

بر من آیاتی فرود آمده است، که همانند آن ها فرود نیامده است، و آن ها آیات دو سوره «فلق» و «ناس» است.

و نیز «عقبه» آورده است که پیامبر فرمود: آیا دو سوره از قرآن را به تو بیاموزم که برترین سوره هاست؟ گفتم آری. آن حضرت دو سوره «فلق» و «ناس» را به من آموخت و فرمود: این دو سوره را به هنگام خواب و برخاستن از خواب بخوان.

و از امام باقر آورده اند که:

من اوتر بالمعوذتين و قل هو الله احد، قيل له يا عبد الله! ابشر فقد قبل الله وترك. (۳۶۸)

هر کس در نماز «وتر» سوره «فلق» و «ناس» و «اخلاص» را بخواند، به او گفته می شود: هان ای بنده خدا، مژده ات باد که خدا نماز «وتر» تو را پذیرفته است.

یادآوری می گردد که همه این پاداش ها و نویدها در گرو درست اندیشی، گفتار سنجیده، عملکرد عادلانه و انسانی، رعایت صادقانه آزادی و امنیت و حقوق و کرامت مردم است، نه خواندن، یا حفظ کردن، یا تفسیر و نگارش تنها، و یا چاپ و نشر قرآن، و یا شعار و ادعای پیروی از آن، و یا ابزار سلطه و

سرکوب و یا کالای قدرت و مقام و دنیا ساختن آن است.

دورنمایی از محتوای آن در آیات پنجگانه این سوره خدای فرزانه، پیام آور خود را مخاطب می سازد و به او و رهروان راه توحیدی او آموزش می دهد که چگونه در فراز و نشیب های حیات دل در گرو عشق خدا سپارند و از هر بدی و ناخوشایند و شرارت و وسوسه هر موجود خطرناک و وسوسه گری به او - که سرچشمه قدرت هاست - پناه برند و بدین وسیله دل را به ساحل آرامش برسانند و به نعمت امنیت روح برسند.

۱ - بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم،

۲ - از شر آنچه آفریده است؛

۳ - و از شر شب تیره، آن گاه که در آید؛

۴ - و از شر آن دمنندگان در گره ها؛

۵ - و از شر حسود، آن گاه که حسد ورزد.

نگرشی بر واژه ها

فلق: این واژه در اصل به معنی شکافتن بسیار گسترده آمده است. هنگامی که گفته می شود: «فلق رأسه بالسیف» منظور این است که: سر او را با شمشیر شکافت. و از آن جایی که به هنگام سپیده سحر و دمیدن صبح، پرده سیاه شب، به وسیله روشنایی روز شکافته می شود، این واژه در مورد طلوع صبح و یا سپیده سحر به کار می رود.

غاسق: این واژه در اصل به معنی «مهاجم» و یورشگری است که در اندیشه زیان رساندن است. در آیه منظور شدت ظلمت و سیاهی است؛ چرا که در دل تاریکی شب درندگان و گزندگان از لانه ها و سوراخ های خود بیرون می آیند و زیان می رسانند.

این واژه به معنی «چرکابه» نیز آمده

است، چرا که وقتی گفته می شود: «غسقت القرحة» منظور سرباز کردن زخم و بیرون آمدن چرک از آن است.

واژه «غسّاق» نیز از همین ماده است که به معنی چرک و خون دوزخیان آمده است، که به سبب سوختن در آتش جاری می گردد.

و نیز به معنی ریزش اشک چشم آمده است. «غسقت عینه» یعنی اشکش سرازیر گردید.

وقوب: به معنی وارد شدن و نفوذ کردن آمده است. واژه «وقب» از همین ماده است. و نیز به معنی دمیدن در بوق آمده است، چرا که هوا در آن وارد می شود.

نفت: به معنی دمیدن و ریختن اندکی از آب دهان آمده است. واژه «نفاثات»، جمع مونث می باشد، که مفرد آن «نفاثه» نیز از همین ماده، و به معنی «دمندگان» آمده، و دارای معنی مبالغه است.

حاسد: به معنی کسی است که زوال و نابودی نعمت را برای دیگری آرزو می کند، گرچه برای خودش نیز نباشد، به همین دلیل «حسد» به عنوان یک بیماری اخلاقی و بلای اجتماعی، سخت مورد نکوهش قرار گرفته است. در برابر آن، «غبطه» است که وصفی است پسندیده، چرا که فرد هم برای خود نعمت می خواهد، و هم بسان آن را برای دیگری، و هرگز زوال نعمت را نمی خواهد.

شأن نزول برخی از مفسران اهل سنت آورده اند که: یکی از یهود به نام «لبید» بر ضد پیامبر گرامی دست به سحر و افسون زد، و ساخته و پرداخته خود را در عمق چاهی نهان کرد.

پیامبر بر اثر آن افسون، بیمار گردید، و دو فرشته به دیدارش آمدند. یکی از آن دو، کنار سر مبارک آن حضرت نشست

و دیگری پایین پای او، و به هنگام عیادت، موضوع افسون را با او در میان نهادند. آن حضرت، علی(ع) را به همراه برخی از یاران فرستاد و با نشان و آدرسی که به آنان داد، نوشته آن مرد افسونگر را از عمق چاه بالا کشیدند و آوردند؛ آن گاه بود که این سوره و سوره پس از آن فرود آمد و با خواندن آن ها بر آن نوشته و آن نیرنگ افسونگرانه، همه بافته ها و دمدمه های ساحر نقش بر آب گردید و پیامبر سلامت خود را باز یافت.

فرشته وحی پس از خواندن آیات این دو سوره بر قلب نورانی پیامبر، گفت: خدا وجود گرامی تو را از هر آنچه آزارت رساند، و نیز از چشم بد و حسود حفظ می کند و شفایت می بخشد.

برخی این روایت را از «عایشه» و «ابن عباس» آورده اند، که به باور ما بی اساس است، چرا که پندار افسون شدگی و جنون به وجود گرامی پیامبر، از تهمت های شرک گرایان و بیدادگران است و قرآن ضمن نفی این بافته ها، چنین پندار و صاحب آن را در گمراهی دور و درازی می نگرد و می فرماید:

...اذ يقول الظالمون ان تبعون الا رجلاً مسحوراً انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلو... (۳۶۹)

ما بهتر می دانیم... آن گاه که ستمکاران می گویند: آنان جز مردی افسون شده را پیروی نمی کنند. بنگر که چگونه برای تو مثالها زدند و گمراه شدند و در نتیجه نمی توانند راه به جایی ببرند.

با این بیان روایت بیانگر شأن نزول، پوچ است، مگر این که گفته شود بداندیشان برای آسیب رسانی و اثرگذاری در آن حضرت به هر تلاش و جنایتی، از جمله سحر و افسون دست

یازیدند، اما هرگز نتوانستند در آن عقل کل و آن انسان والا اثر گذارند.

افزون بر این اگر آنان می توانستند به وسیله افسون و جادو سلامتی آن وجود گرانبهایه را به خطر افکنند، آیا تنها به این قناعت می کردند؟ و آیا جز به کمتر از کشتن او رضایت می دادند؟

با این بیان روایتی که در شأن نزول آمده، بی اساس است و با خرد و کتاب خدا و روایات رسیده ناسازگار.

تفسیر

به پروردگار سپیده دم پناه می برم در آغازین آیه این سوره، خدای فرزانه روی سخن را به پیامبرش می کند و می فرماید:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ هان ای پیامبر! بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم،

در آیه، گرچه به ظاهر روی سخن با پیامبر است و به او فرمان می رسد، اما پیام به همه مردم می باشد و منظور این است که: هان ای پیامبر! به مردم بگو و بیاموز که: به پروردگار سپیده دم و آفریدگار و تدبیرگر توانا و فرزانه آن پناه می برم؛

آن گاه می فرماید:

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ از شرّ هر آنچه ذات بی همتای او از پریان و آدمیان و دیگر جنبندگان و حیوانات آفریده است،

از دیدگاه گروهی از مفسران پیشین از جمله «ابن عباس»، بدان جهت به سپیده دم، «فلق» گفته شده است که به هنگام دمیده شدن سپیده، پرده سیاه شب به وسیله آن شکافته می شود. واژه «فجر» نیز در این مورد به کار رفته است، چرا که با آمدن روشنایی سپیده دم، سیاهی شب شکاف بر می دارد و می رود.

اما از دیدگاه پاره ای منظور از واژه «فلق»، نوزاد است که از پدر و مادر ولادت می یابد. برخی نیز برآنند

که منظور شکافتن دانه و تخم و همانند آن است که گل و گیاه با شرایط و نظامی شکفت انگیز از آنها ولادت می یابد.

به باور «سدی» واژه «فلق» به معنی چاهی است بسیار عمیق در دوزخ که گرفتاران در آن جا، از شدت سوزاندگی آتش آن به خدا پناه می برند.

این دیدگاه را «ابوحمزہ ثمالی» و «علی بن ابراهیم» هم روایت کرده اند.

گفتنی است که مفهوم آیه مورد بحث عام است و در تقدیر می تواند این گونه باشد: هان ای پیامبر! بگو: از شرّ درندگان، گزندگان، پریان، شیطان ها، آدمیان بداندیش و هر آنچه پروردگار سپیده دم آفریده است، به ذات بی همتای او پناه می برم.

سپس در روشنگری بیشتر در همین مورد می افزاید:

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

و از شرّ تاریکی آن گاه که فرا گیرد،

از دیدگاه گروهی از جمله «ابن عباس»، «مجاهد» و «حسن» منظور این است که: و از شرّ شب آن گاه که تاریکی و ظلمت آن جهان را فراگیرد، به پروردگار سپیده دم پناه می برم.

با این بیان به نظر می رسد منظور رویدادهای ناگواری است که در شب تاریک پدید می آید. اختصاص شب به یادآوری به خاطر آن است که گناهکاران و بداندیشان، بیشتر در شب تاریک به ستم و بیداد دست می یازند؛ همین گونه گزندگان و درندگان، بیشتر در تاریکی شب آسیب می رسانند.

واژه «غسق» در اصل به معنی پرشدن و جریان یافتن چیزی به زیان و ضرر آمده است. واژه «غاسق» را نیز به «مهاجم» و یورشگری تفسیر کرده اند که زیان می رساند، خواه از انسان ها باشد یا از دیگر پدیده ها.

در چهارمین آیه مورد بحث می افزاید:

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

و از شرّ آن‌هایی که در گره‌ها می‌دمند و افسون می‌کنند،

از دیدگاه «حسن» و «فتاده» منظور این است که: و از شرّ زنان افسونگری که جادو می‌کنند و در گره‌ها می‌دمند، به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم.

در روزگار فرود قرآن و نیز در زمان ما برخی از مردم چنین می‌پندارند که افسونگران می‌توانند در سلامتی و بیماری کسی اثر گذارند، و یا سود و زیانی را متوجه او سازند و یا دور کنند، و نیز برخی می‌پندارند که جادوگران با جنیان سر و سرّی دارند و از آن‌ها علم غیب می‌آموزند، و با پندار این توانایی برای آنهاست که از آن‌ها احساس خطر، و یا به آنان احساس نیاز می‌کنند و این پنداری است که برای دین و دنیای انسان بسیار زیانبار است، و می‌تواند آرامش خاطر را از فرد و جامعه سلب کند،

به همین جهت خدای آگاه و توانا برای آرامش خاطر بخشیدن به مردم با ایمان و توجه دادن به فرمانروای هستی، به آنان دستور می‌دهد که از شرّ همه پدیده‌ها و تاریکی شب به پروردگار سپیده دم پناه ببرند.

اُمّیا «ابومسلم» در این مورد می‌گوید: واژه «نفاثات» نه افسونگران، بلکه منظور زنانی است که با دلربایی و وسوسه‌های خود رأی و نظر مردان را می‌زنند و آنان را به راه دلخواه خود می‌برند. با این بیان از دیدگاه و قصد و آهنگ و یا رأی و عزم، به «عقده» و گره تعبیر می‌گردد و از گشودن آن‌ها به دمیدن تعبیر می‌شود؛ و از دیر باز جریان این گونه بوده است که هر کسی کاری را گره زد و بر آن

دمید، باید خود آن را بگشاید.

و در آخرین آیه مورد بحث می افزاید:

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

و از شرّ هر حسود و حسادت ورزی، آن گاه که حسد ورزد، به پروردگار سپیده دم پناه می برم.

و این دستور نیز بدان دلیل است که انسان حسادت ورز و گرفتار به این بلای اخلاقی و بیماری اجتماعی هر لحظه ممکن است برای تسکین ناراحتی درونی خود، به انسانی که مورد حسادت اوست زبانی وارد آورد، از این رو باید از شرّ او نیز به خدا پناه برد.

از دیدگاه پاره ای منظور از شرّ حسود، زیان رساندن چشم اوست، چرا که بسیار شده است که شورچشمی حسود به گونه ای در فرد مورد نظرش اثر نهاده، که او را دچار زیان و ضرر و یا بیماری و عیب ساخته است.

در روایت آمده است که چشم زدن گاه واقعیت دارد، و برخی از چشم ها دارای این اثرند. العین حق. (۳۷۰)

پاره ای آورده اند که: پیامبر، شتری به نام «عضباء» داشت که در همه مسابقات اسب دوانی و شتر دوانی پیش می افتاد. روزی مردی صحرانشین آمد و به آن حضرت پیشنهاد مسابقه شتر دوانی داد.

مسابقه آغاز گردید و شترِ همواره برنده و پیشتاز پیامبر بر خلاف انتظار باخت. این موضوع بر یاران بسیار گران آمد، اما آن حضرت فرمود: بر خداست که هیچ کس و هیچ چیزی را در دنیا اوج نبخشد و بالا نبرد، جز این که آن را پایین آورد.

و نیز آورده اند که فرمود: هر کس چیزی را دید و از آن خوشش آمد، بگوید: «اللّٰه! اللّٰه، ماشاء اللّٰه و لا قوه الا باللّٰه» در پناه خدا،



از زیان و بدآمد روزگار در امان می ماند.

و آورده اند که آن حضرت دو نور دیده اش حسن و حسین عزیز را به وسیله این دو سوره در پناه خدا سپرد

برخی از قرآن پژوهان آورده اند که: خدای فرزانه همه شرارت ها و رویدادهای ناگوار را در این سوره آورد، آن گاه آن را با هشدار از خصلت نکوهیده حسد به پایان برد، تا روشننگری کند که این خصلت زشت و ظالمانه پست ترین و زیانبارترین بیماری های اخلاقی است و باید از آن به خدا پناه برد.

### تفسیر اطیب البیان

سوره فلق ، غرض سوره :دستور دادن پیامبر به استعاذه و پناه بردن به خدا.

(۱) (قل اعوذ برب الفلق): (بگو پناه می برم به پروردگار صبحدم )

(۲) (من شر ما خلق): (از شر هر چه که او خلق کرده )

(۳) (و من شر غاسق اذا وقب): (و از شر شب وقتی که با ظلمتش فرا می رسد)

(۴) (و من شر النفاثات فی العقد): (و از شر زنان جادوگر که در گره ها می دمند و افسون می کنند)

(۵) (و من شر حاسد اذا حسد): (و از شر حسودی که بخواهد حسد بورزد) (عوذ) یعنی احتراز جستن از شر و پناه بردن به کسی که می تواند آن را دفع کند و پناه دهد و (فلق) یعنی شکافتن و جدا کردن که معمولاً در مورد صبح بکار می رود، چون صبح گریبان ظلمت را می درد و سر بر می آورد. می فرماید: بگو، من به پروردگار صبح پناه می برم ، همان پروردگاری که صبح را از پس ظلمت شب می شکافد و بیرون می آورد (همانطور که خیر، ظلمت شر را از بین می برد و می زداید) بعضی مفسران گفته

اند: مراد از فلق ، هر چیز است که بوسیله خلقت از کتم عدم سربر می آورد، در نتیجه رب فلق ، یعنی رب مخلوقات .و بعضی دیگر فلق را چاهی در جهنم دانسته اند.در ادامه به پیامبر ص دستور می دهد که از شر هر مخلوقی که خدا آن را آفریده ، به خدا پناه برد، یعنی هر موجودی که شری به همراه خود دارد اعم از جن و انس و حیوانات و نیز از شر تاریکی شب وقتی که فرا می رسد و داخل می شود، چون (غسق) یعنی ابتدای ظلمت و تاریکی شب و وقتی که نور خورشید در مغرب ناپدید می شود.و علت نسبت دادن شر به شب این است که شب با ظلمتش شریر را در رساندن شر مدد می کند و شروری که در شب واقع می شود بیشتر از شرور روز است و انسان در شب قدرت دفاعی کمتری دارد.ولی بعضی مفسران کلمه (غاسق ) را به معنای هر شری دانسته اند که به آدمی هجوم بیاورد، اعم از شب و غیر آن .در ادامه به پیامبر ص دستور می دهد که از شر زنان جادوگر به خدا پناه برد، و اینکه زنان جادوگر را نام می برد به جهت آنست که سحر بیشتر در زنان شیوع دارد و از این آیه و آیه ۱۰۲ سوره بقره استفاده می شود که قرآن کریم تأثیر سحر را فی الجمله تصدیق می کند، هر چند که هیچ یک از ساحران بدون اذن خدا قادر نیستند که به کسی ضرری برسانند. ولی بعضی مفسران این آیه را متوجه ساحران ندانسته اند، بلکه مراد از آن را زنانی می دانند که

با حيله هاى خود شوهران را از تصميم خود منصرف مى کنند، و در آخريامبر را از شر حسود برحذر مى دارد، آن زمانى كه مبتلا به حسد گشته و در اثر آن دست به اعمالى بر عليه شخص مورد حسد مى زند، ولى بعضى مفسران گفته اند: اين آيه شامل چشم زخم نيز مى شود، چون چشم زدن هم نوعى ابراز حسد درو نيست. در اين سوره خداوند ابتدا مطلق شر را ذكر كرد و سپس به موارد خاصى از شر اشاره نمود (شر شب ، شر جادوگران و شر حسود) و ذكر اين موارد خاص پس از مورد عام ، اهتمام بيشتري به اين سه مورد را مى رساند، چون انسان از اين سه نوع شر غافل است و اينها در حال غفلت آدمى به وي حمله مى آورند.

### تفسير نور

كلمه «فلق» مثل «فجر» به معنای شكافتن است، شكافتن سياهى شب يا سپيده صبح: <<فالق الاصباح>> <۱۱۴۵>؛ شكافتن دانه درون خاك. <<فالق الحبّ و النوى>> <۱۱۴۶>

مراد از «غاسق» آغاز شب است كه تاريخى را به همراه مى آورد. چنانكه در آيه اى ديگر مى فرمايد: <<اقم الصلوه لدلوك الشمس الى غسق الليل>> <۱۱۴۷>

شايد مراد از «غاسق» هر موجود ظلمت آور باشد كه تاريخى هاى معنوى را به همراه خود مى آورد و گسترش مى دهد.

از آنجا كه افراد شرور، براى حمله و هجوم و يا توطئه چينى از تاريخى شب استفاده مى كنند، لذا به خدا پناه مى بريم از شرورى كه در شب واقع مى شود.

«نَفَاثَات» از «نَفَث» به معنای دمیدن و «عُقَد» جمع «عَقْد» به معنای گره است.

در هر چيزى احتمال بروز شرّ وجود دارد، حتى كمالاتى مثل علم و احسان، شجاعت و عبادت نيز آفاتى دارند. آفت علم،

غرور؛ آفت احسان، منت گذاردن؛ آفت عبادت، عجب و آفت شجاعت، ظلم و تهور است.

در آسیب پذیری سه اصل وجود دارد آمادگی هجوم از سوی دشمن فرصت های مناسب برای هجوم نظیر تاریکی ها وجود حفره ها و نقطه ضعف ها آری دشمن به دنبال تاریکی ها و حفره ها و نقاط ضعف است.

تبلیغات سوء، جوسازی ها، سخن چینی ها، جاسوسی ها و شایعه پراکنی ها، نمونه هایی از <<نقائات فی العقد>> است، یعنی می دمند تا محکومات را سست کنند. چنانکه کسانی با وسوسه و شک میان همسران فتنه گری می کنند <<ما یفرقون بین المرء و زوجته>> <<۱۱۴۸>>

با اینکه هرچه خدا آفریده، خیر است: <<الذی احسن کلّ شیء خلقه>> <<۱۱۴۹>> لکن هر چیزی اگر در مسیر صحیح خود قرار نگیرد، شرّ می شود. چنانکه آهن خیر است ولی اگر چاقو شد، امکان سوء استفاده از آن وجود دارد. <<من شر ما خلق>>

<<شرّ ما خلق>> یعنی شرّ از سوی مخلوقات است، نه از سوی خالق و نه ناشی از خلقت.

پناه بردن به خدا از خطرات، تنها با گفتن «أعوذ» حاصل نمی شود، بلکه علاوه بر گفتن، عمل نیز لازم است. چنانکه اهل بیت پیامبر علیهم السلام وقتی مسکین و یتیم و اسیر را اطعام کردند، گفتند: <<أنا نخاف من ربنا يوماً عبوساً قمطریراً>> <<۱۱۵۰>> ما از روز قیامت ترسیم که اطعام کردیم. قرآن می فرماید: <<فوقاهم الله شرّ ذلک الیوم>> <<۱۱۵۱>> خداوند نیز آنان را از شرّ آن روز نجات داد. پس گفتن <<أنا نخاف>> به تنهایی کارساز نیست، بلکه باید همراه با عمل باشد.

زشت صورتی نزد رسول خدا از زشتی چهره خود شکایت کرد که جبرئیل نازل و سلام خداوند را به آن مرد زشت رساند و گفت که خدا می فرماید: <<اما ترضی ان>>

احسرت علی جمال جبریل << آیا دوست داری که در قیامت تو به زیبایی جبرئیل باشی؟

مرد شادمان شد و تصمیم گرفت تمام عبادات و مستحبات را انجام دهد. <۱۱۵۲>

شرّ مطلق وجود ندارد و خداوند نیافریده است، بلکه چه بسیار اموری که از یک زاویه، شرّ دیده می شوند و زاویه ای دیگر خیر. چنانکه مولوی می گوید:

زهر مار، آن مار را باشد حیات

لیک آن، آدمی را شد ممات

پس بد مطلق نباشد در جهان

بد به نسبت باشد، این را هم بدان

بعضی از سختی ها و فشارها، شرّ نیست، بلکه رمز تکامل است. مولوی می گوید:

گندمی را زیر خاک انداختند

پس ز خاکش خوشه ها بر ساختند

بار دیگر کوفتندش ز آسیا

قیمتش افزون و نان شد جان فزا

باز نان را زیر دندان کوفتند

گشت عقل و جان و فهم سودمند

باز آن جان، چون که محو عشق گشت

یُعجب الزّراع آمد بعد کشت

قرآن سفارش می کند که با همسرانتان خوب رفتار کنید و اگر نسبت به آنان کراهت دارید، چه بسا در کنار آن الطافی نهفته باشد. <> و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً کثیراً >> <۱۱۵۳> چنانکه

گاهی زن زیبا نیست، ولی مادر

زندانی بزرگ و برجسته می شود.

بسیار از تلخی‌ها، استعدادهای ما را شکوفا می‌کند، حالت صبر و مقاومت را در ما رشد می‌دهد و دل انسان را خاضع و خاشع می‌سازد. <<لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ>> <۱۱۵۴>

شب برای مردان خدا، زمان بندگی و عبادت است: <<يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ>> <۱۱۵۵> ولی برای نامردمان، زمان توطئه و تهدید و هجوم است. <<مَنْ شَرَّ غَاسِقٍ>>

سخن و یا حرکتی که روابط و دوستی‌های محکم را متزلزل کند، نفاثات است و باید از آن به خدا پناه برد.

پناه بردن انسان به خدا، مستلزم پناه

دادن خداوند است و گرنه فرمان پناه بردن لغو بود.

در میان تمام شرور نام سه شرّ در این سوره آمده است:

- شرور پنهان و در تاریکی ها. <<من شرّ غاسق اذا وقب>>

- شرور زبان های ناپاک. <<من شرّ النّفّاثات فی العقد>>

- شرور حسادت ها و رقابت های منفی. <<و من شرّ حاسد اذا حسد>>

برخی زنان به خاطر زیبایی و لطافت در گفتار، می توانند مردان را در تصمیمات خود سست کنند و مصداق نّفّاثات باشند.

یکی از مصداق نّفّاثات، سحر و جادو است و لذا آموزش و عمل آن حرام است.

با اینکه <<شر ما خلق>> شامل تمام شرور می شود، ولی نام سه شرّ را به خاطر اهمیتی که دارد، جداگانه آورده است.

<<غاسق اذا وقب - النّفّاثات فی العقد - حاسد اذا حسد>>

پناه بردن در هر حال لازم است، خواه آنجا که خطر باشد: <<شرّ ما خلق>> خواه دریافت کمال باشد: <<فاذا قرأت

القرآن فاستعد بالله من الشیطان الرجیم>> <<۱۱۵۶>> هرگاه قرآن تلاوت می کنی از شرّ شیطان به خداوند پناه ببر.

در سوره فلق، در برابر سه شرّ بیرونی، به یک صفت الهی پناه می بریم. (از شرّ غاسق و نّفّاثات و حاسد، به صفت <<ربّ

الفلق>> پناه بردیم.) اما در سوره ناس به عکس است. در برابر یک خطر درونی، به سه صفت الهی پناهنده می شویم. (از شرّ

و سوسه قلب، به صفات <<ربّ

نّاس>>، <<ملک النّاس>> و <<اله النّاس>> پناه می بریم.)

بحثی درباره حسادت

تلاش برای بدست آوردن کمالات غبطه و ارزش است، ولی تلاش برای نابود کردن کمالات دیگران حسادت است. حسادت

نشانه کم ظرفیتی و تنگ نظری است. اولین قتلی که در زمین واقع شد به خاطر حسادت میان فرزندان آدم بود و اولین گناهی

که در آسمان واقع شد، حسادت ابلیس به آ

بود. در حدیث می خوانیم: حسادت ایمان را می خورد آن گونه که آتش هیزم را. <۱۱۵۷>

آنچه بر سر اهل بیت پیامبر علیهم السلام آمد که آنان را کنار زدند، ناشی از حسادت بود و قرآن در آیه ۵۴ سوره نساء می فرماید: چرا به خاطر الطاف و تفضّل خداوند، بر افراد لایق حسادت می ورزند، مگر نمی دانند ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم.

حسادت در میان تمام شرور، برجسته ترین شرّ است. زیرا حسود نقشه ها می کشد و حيله ها می کند و مرتکب انواع شرور می شود تا به هدف برسد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الحسد داء عیاء لایزال الا بهلک الحاسد او بموت المحسود» <۱۱۵۸> حسادت مرض خطرناکی است که جز با مرگ محسود یا هلاکت حسود از بین نمی رود.

حسود در واقع به خدا اعتراض دارد و در برابر اراده و حکمت او جهت می گیرد که چرا به او عطا کرده و به من نداده است.

حسود هرگز خیرخواهی و نصیحت نمی کند و به خاطر خوی حسادت، از خیر خودش به دیگران جلوگیری می کند.

قرآن، ریشه بسیاری از گناهان را <<بغیاً>> به معنای حسادت دانسته است و امام صادق علیه السلام می فرماید: «انّ الکفر اصله الحسد» <۱۱۵۹> ریشه کفر حسادت است. چنانکه در برابر پیامبران می گفتند: <<أبشر یهدوننا>> <۱۱۶۰> آیا انسانی مثل ما پیامبر شود و ما را

ایت کند؟

حسود، اهل تواضع و تشکر نیست و هرگز به کمالات دیگران گواهی نمی دهد و قهراً مرتکب گناه کتمان حق می شود.

حسود معمولاً منافق است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الحاسد یظهر وُدّه فی اقواله و یخفی بُغضه فی افعاله» <۱۱۶۱> در ظاهر اظهار علاقه می کند ولی در باطن کینه و بغض



دارد.

منشأ حسادت چیست؟

گاهی تبعیض نابجا میان افراد، حسادت آنان را بر می انگیزد.

گاهی مردم توجه نیستند و شرایط را یکسان می پندارند و همینکه یک برتری و امتیازی دیدند حسادت می ورزند. در حالی که اگر حکمت و دلیل تفاوت ها را بدانند آرام می شوند.

حسادت در خاندان نبوت نیز پیدا می شود، همان گونه که در خانه حضرت یعقوب، حسادت فرزندان، آنان را به چاه افکندن برادر وادار کرد.

دامنه حسادت تنها نسبت به نعمت های مادی نیست، بلکه گاهی نسبت به ایمان افراد حسادت می شود و می خواهند آنان را به کفر برگردانند. <<یردّونکم من بعد ایمانکم کفّاراً حسداً>> <۱۱۶۲>

روشن است که حسادت، آرزوی نابودی نعمت دیگران است، و گرنه درخواست نعمت از خداوند، حسادت نیست. چنانکه سلیمان از خداوند حکومتی بی نظیر خواست: <<ملکاً لا ینبغی لاحد>> <۱۱۶۳> و حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل از خداوند می خواهد که نصیب او بیشتر باشد و قر

او به خداوند نیز بیشتر باشد. «واجعلنی من احسن عبیدک نصیباً عندک و اقربهم منزله منک...»

برای درمان حسادت باید اینگونه فکر کرد:

دنیا، کوتاه و کوچک است و غصه برای آن ارزشی ندارد.

ما نیز نعمت هایی داریم که دیگران ندارند.

نعمت ها بر اساس حکمت تقسیم شده است، گرچه ما حکمت آن را ندانیم.

آنکه نعمتش بیشتر است، مسئولیتش بیشتر است.

بدانیم که حسادت ما بی نتیجه است و خداوند به خاطر اینکه بنده ی چشم دیدن نعمتی را ندارد، لطف خود را قطع نمی کند و فقط خودمان را رنج می دهیم.

۱- پناه بردن به خدا را باید به زبان جاری کرد. <<قل اعوذ>>

۲- به خاطر زیادی خطرات و اهمیت آن انبیا نیز باید به خدا پناه برند. <<قل اعوذ>>



به خداوند امکان ندارد. <<قل اعوذ برب الفلق>>

۴- چون شرور بر قلب و فکر انسان قفل می زند، باید به قدرتی پناه برد که شکافنده و شکننده قفل ها و موانع باشد. <<برب الفلق>>

۵- در دعا با دید وسیع برخورد کنید. <<شر ما خلق>> (همه مخلوقات را در برمی گیرد).

۶- در میان همه شرور، شر حسادت، تفرقه افکنی، عهد شکنی و توطئه های پنهان اهمیت بیشتری دارد. <<من شر غاسق... شر النفاثات... شر حاسد>>

۷- دشمن آنقدر می دمد تا تبلیغاتش مؤثر واقع شود. (<<نفاثات>> جمع «نفاثه»، صیغه مبالغه است.)

۸- با وسوسه ها عقاید سست می شود و حرف اثر می کند. <<من شر النفاثات فی العقد>>

۹- حسادت، دارویی جز پناه بردن به خدا ندارد. <<قل اعوذ... اذا حسد>>

۱۰- زمینه ها زمانی خطرناک است که به فعلیت در آیند. <<حاسد اذا حسد>>

۱۱- حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی بر اساس آن گناه است. <<اذا حسد>>

«والحمد لله رب العالمین»

### تفسیر انگلیسی

Falaq is the daybreak—the cleaving of darkness and the manifestation of light. The forces of good are light. When the darkness of ignorance is at its worst, light from Allah pierces through and provides guidance and enlightenment.

This surah is a prayer for seeking divine protection from fears proceeding from visible as well as invisible, known as well as unknown, physical as well as spiritual forces emanating due to interaction of laws created by Allah.

Physical dangers, difficulties, accidents and calamities are also referred to as darkness (ghasiq). If man trusts in Allah, relies on His protection and takes reasonable precautions, protection is made available to him when its evil strikes.

Magical formulae rehearsed by those

.who practice secret acts cause psychological terror

Malignant envy when rendered into action destroys the happiness enjoyed by other  
.people

As everything is a creation of Allah, nothing has the unchecked power to hurt man if  
.he or she seeks Allahs protection and takes refuge with Him

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹